

هوراس (۱) و شعر

از گویندگان روم قدیم شهرت و قبولی کسه هوراس را در نقادی دست داده است برای هیچ گوینده و نویسنده دیگر حاصل نشده است. این شاعر بزرگ رومی که در قصاید خویش بیشتر بتقلید یونانیان میپرداخته است این مزیت را دارد که مثل خیام و حافظ مادل در گرو فرصت میدارد و مثل آنها بالحنی رندانه تر شعار «دم غنیمت شعر» (۲) را تکرار میکند. کودکی او، بر اثر دقتی که پدر در تربیتش بخرج داد در کسب مقدمات هنر گذشت. در جوانی هم بیونان سفری کرد و آشنائی با فلسفه ایقور را که بصورت آیین فرصت جوئی در اشعار او انعکاس یافت ازین سفر ارمغان آورد. در رم نیز با پرژیل شاعر و میسن (۳) مرد ادب دوست معروف آن عصر، دوستی گزید و زندگی را در مصاحبت آنها بسر آورد.

آثار او چندان زیاد نیست و از باره قصاید و بعضی هجویات و مقداری اخوانیات تجاوز نمیکنند. بحث در باب شیوه شاعری او و عقاید و آرائی که درباره مباحث و مسائل گوناگون اجتماعی و ذوقی و اخلاقی دارد درین مقال نمیکنند. آنچه در اینجا منظور ماست بیان مجملی از عقاید و آراء او در باب شعر و نقد آن است.

بسیاری از این آراء و عقاید را در اخوانیات او باید سراغ کرد. از جمله در یک نامه منظوم که به شخصی موسوم به «ژولیوس فلوروس» (۴) فرستاده است بالحنی آکنده از نیش و استهزاء شاعران کم مایه و پر مدعا را می نگوید و از اینکه ذوق عامه رفته رفته دارد بابتدال و انحطاط می گراید و بآثار

سبک و کم ارج بیشتر توجه میشود تا آثار سنگین و جزل و قوی با آه و افسوس سخن میگوید. از شاعران بی مایه که خود را گوینده بزرگ می شمارند و با این همه اشعار بد میسرایند بتمسخر یاد می کند و میگوید «کسانی که شعرهای بد میسرایند و دلشان باین خوش است که چیزی مینویسند و خود را گوینده و نویسنده می شناسند و ارجمند و گرامی می شمرند و حتی باین دل خود را خوش میدارند که فقط خودشان آثار و نتایج فکر خود را بستانند. چه مردم خوش بختی!» یکجا نیز در همین قطعه محافل ادبی شهر رم را هم که شاعران فقط تحسین و تمجید نثار یکدیگر میکردند بیاد استهزاء میگیرد و بشاعران ساده دل که معایب کار خود را نادیده میگیرند و ارزش واقعی سخنان خود را در نمییابند طعنه میزند.

در یک منظومه دیگر که خطاب بفرزندان «پیزون» (۵) است بالحنی دلپذیر برای این جوانان نوحاسته که میخواهند بکار شاعری آغاز کنند از هنر شعرو دشواریهای آن و با اصطلاح خودمان از مضایق و دقایق سخن گفتگو میکند. درین قطعه که آن را «فن شعر» (۶) نیز خوانده اند هوراس آراء و عقاید خود را در باب شعر و شاعری بیان میکند. بدین گونه، که تازه کاری و ناآزمودگی گویندگان قدیم لاتین را بدقت انتقاد مینماید و بعد اصول و قواعدی برای شعر و علی الخصوص برای اشعار تمثیلی (۷) بدست میدهد.

هوراس توصیه میکند که در شعر و هنر باید عقل و خرد قاهر و حاکم باشد و میگوید اگر عقل و منطق مبدع و منبع اثر شاعری نباشد ممکن نیست که آن

اثر زیبا و دلپسند افتد نظم و نسق در تألیف مطالب
 و وحدت و یک رنگی در موضوع همواره باید مورد
 نظر باشد. تا کید میکند که شاعری کاری آسان نیست
 و آن را نباید ساده و سرسری گرفت. آنچه مخصوصاً
 در شعر زیاده بکار است تناسب و وحدت است لیکن
 رعایت تناسب اجزاء و وحدت مطالب کار سهلی
 نیست. با لحنی قاطع میگوید: «ما شاعران همه
 فریب آرزویی را میخوریم که برای وصول بکمال
 داریم و بدان نمی‌رسیم. من سعی می‌کنم سخنم را
 موجز و کوتاه بگویم لیکن وقتی سخن گفته شد
 میبینم مبهم و معقد شده است در صدد بیان مضمون
 عادی و محدود بر می‌آیم حوصله‌ام بسر میرسد و سخن
 گفتن نمیتوانم، یکی در پی وصول بذروه بیان بر
 می‌آید سخنش مغلق و مبهم و آکنده از تکلف و تصنع
 میشود دیگری که جانب احتیاط را نگه میدارد و
 میکوشد که در نقاط طوفانی و پر خطر قدم نهد
 پایش در گل ولای فرو میماند. آندیکر برای این
 که بدیده اوز زیاده از حد ساده و عادی مینماید عجیب
 و جالب جلوه دهد کار را بجائی میکشاند که دلفین
 (۸) را در جنگل و گراز را در دریا تصویر مینماید.
 بیم و وحشت از یک خطا کسی را که مایه‌ای از هنر
 ندارد گرفتار خطائی بزرگتر میکند. در کار گاه
 امیلیوس (۹) مجسمه ساز کارگری را مشاهده می
 کنید که از سایر همگنان بهتر میتواند ناخن مجسمه
 را درست کند یا گیسوان او را بسازد اما چون فن
 ترکیب و تألیف را نمیداند در ساختن یک مجموعه
 همان اجزاء فرو میماند. اگر من هوس صنعتگری
 داشته باشم هرگز دلم نمیخواست که بجای این کار گر
 باشم چنانکه هرگز آرزو نمیکنم که بایک بینی پنجه
 چشمان زیبا و گیسوان سیاه داشته باشم.
 شما که در پی کار نویسندگسی هستید مضمون و
 مطلبی را برای موضوع کار خود انتخاب کنید که
 در خور قدرت و توانائی شما باشد و قبل از آنکه باری
 را بر گیرید نیک بیازمائید که دوش شما یارای تحمل
 آن را دارد یا ندارد؟ کسی که در انتخاب موضوع،
 خارج از حد قدرت و طاقت خویش چیزی را تعهد و
 التزام نکند هم بآسانی از عهده بیان مطلب برمی-

آید و هم نظم و ترتیب کلامش مناسب و درست خواهد
 بود. اگر غلط نکنم نظم و ترتیب مزیتی و قوتی خاص
 بکلام میبخشد و شاعر با رعایت که از او توقع انسری
 شایسته بتوان داشت مراعات نظم را، نخست فقط
 بذکر امری اکتفا میکند که گفتن آن ضرورت دارد
 و آنچه را گفتن آن ضرورت ندارد در باقی میکند
 و بوقت دیگر و مقام مناسبتر میگذارد و با عشق و حوصله
 به بیان امری در می‌ایستد و پس از استیغای حق آن
 بر صفت و بیان چیز دیگر میپردازد.

هوراس برخلاف ارسطو در «فن شعر» خویش
 تئوری ادبی خاصی مطرح نمیکند، رساله منطقی و
 استدلالی ننویسد و فقط خسود را باین سرگرم
 میدارد که شاعران و نویسندگان شهیر را مسخره
 کند. معذک عقاید او را در باب شعر میتوان سه اصل
 ذیل بر گرداند:

اول آنکه شعر فنی شریف و جدی است نه اینکه
 وسیله تفریح در مجالس باشد دوم اینکه از همین رو
 فن مشکلی است و مهارت و براعت در آن بآسانی
 دست نمیدهد سوم آنکه معذک اگر کسی بخواهد
 بدان اشتغال جوید تنها راه درست تتبع و تقلید از
 قدماء یونان است.

در واقع مقام شعر و هدف و غایت آن در نظر
 هوراس بسیار عالی است جنبه اخلاقی و دینی دارد
 شاعر نزد او مربی و خدمتگزار جامعه (۱۰) است و
 تقریباً مقام کاهن را دارد با افسوس خاطر نشان میکند
 که در قدیم شعر بر جامعه‌ها حکومت میکرد و اصول
 اخلاقی و قواعد پارسائی و فضیلت را ب مردم تعلیم
 میکرد اما اکنون شعر را تادرجه هزل و نحف فرود
 آورده اند و آن را بازیچه بی سز و بیایان قرارداده اند
 و درین روزگار، بیکارگان و بی سروپایانند که
 بکار شاعری میپردازند. هوراس ناچار بدفاع از هنر
 خویش قلم بر میگردد. برای آنکه مدعیان را از
 میدان براند در دشوار جلوه دادن کار شاعری مبالغه
 میکند و با اصرار تمام میکوشد که آن را شغل و
 حرفه‌ای آموختنی جلوه دهد. شاعران ناباب را مسخره
 میکند، جنون آنها را بیاد استهزاء میگیرد، خطا-

های آنها را باز مینماید، اشتباهاتی را که در ترکیب کلمات و رعایت قوانین ادب بکار برده اند باز میگوید، مواردی که برخلاف ذوق سخن گفته اند یاد میکند و لزوم نقد شعر را جهت تهذیب آن خاطر نشان مینماید و بتأکید میگوید،

« مرد درست و شریف که بهره ای از ذوق دارد اگر در باب شعری از او نظر بخواهند آنچه را از حشو و اعتراض و اطناب مشحونست مینکوهد و آنچه را از خشونت و صعوبت دارد رد میکند. بر مواردی که فاقد لطف و ظرافت است خط ترقین میکشد تکلفات و تصنعات عبث و لا طائل را حذف میکند جائز را که بیان مبهم و معقد است یاد میکند تا روشتر کنند و آنجا را که عبارت تناقض دارد انگشت میگذارد تا اصلاح نمایند و بالاخره هر جا که باید در شعر تغییری و اصلاحی انجام گیرد نشان میدهد چنین کسی مانند اریستاک نقاد یونانی نقدی دقیق و سنجیده خواهد کرد و با خود نخواهد گفت که بخاطر آنست که چیزی نباید دل دوستی را آزرده باشد با این مشکل تراشیها و سختگیریها منظومه «فن شعر» هوراس بجای آن که نوحاستگان را در کار شاعری تعلیم و ترغیب کند آنها را دل سرد و مأیوس مینماید (۱۱)

باری خطاهائی که شاعر تازه کار و نوحاسته ممکن است بدان دچار شود بشرحی که در فوق بدان اشارت کردیم بسیار است معذک برای اجتناب از این خطاها بمعقیده هوراس فقط يك وسیله هست و آن تقلید از قدما، یونان است. حتی در انتخاب و ترکیب الفاظ نیز نظر هوراس بشاعران و گویندگان یونان دوخته است. زبان یونانی در نظری مخزن فکر و منبع الهام است و هر جا که زبان لاتین از کار فرو ماند باید بدان گنجینه عظیم روی آورد. میگوید: «آنجا که ضرورتی پیش آید و ناچار شوید فکری تازه و مضمونهای بکر را با الفاظ و کلمات تازه و نویبان نمائید میتوانیید الفاظ و ترکیباتی بسازید

که هرگز بگوش قدمای ما نرسیده باشد و این حقی است که اگر در استفاده از آن افراط نکنید آن را از شما دریغ نمیدارند. اینگونه کلمات و ترکیبات نو ساخته اگر از زبان یونانی اخذ و اشتقاق یافته باشد و آنها را بوجهی مناسب و موافق قواعد ترکیب کرده باشند مورد قبول قرار میگیرد.» باری این تبجیل و احترام که هوراس نسبت بسزبان و ادب و فرهنگ یونانی دارد تا بجائی میرسد که با ادبیات قدیم لاتین قطع رابطه میکند و در میراث گذشتگان رم جز متون مبهم و حماسه های مضحک و هزلیات مبتذل چیزی نمی بیند. فقط یونانست که بمعقیده او مفهوم واقعی هنر را درک میکند و بیان میکند. فقط با مراجعه بآثار یونانیان است که میتوان سخن را آراست و از ابتذال و تعقید در امان ماند. از مطالعه آثار شاعران یونان است که میتوان مفهوم وزن و تناسب را بخوبی دریافت و از آثار فلاسفه آن قوم است که میتوان شیوه فکر کردن را بدرستی آموخت. باید آثار آنها را مطالعه کرد و مخصوصاً باید دنیا را گشت و دید تا بتوان آثار جدی و درست ایجاد کرد زیرا شعر باید تصویر زندگی و درس برای بشریت باشد (۱۲).

عبدالحسین زرین کوب

- 1- Horace (65-8) 2- Carpe diem
 - 3- Mecéne 4- Adgulum Florum
 - 5- Pisons 6- Art Poétique
 - 7- Dramatique 8- Delphine
 - 9- Emilius 10- Utilis urlis
 - 11- Pichon, E.ittbat P 377
 - 12- Walkenoer, Histoire de la vie et de la Poesie
- b'Horace- و همچنین : oeuvre d'Horace tradint par Potin (2vol)